



07-2020-50



داکتر محمد حسن شرق

طرح‌های دیگو کوردوویز و بینان سیوان

(نمایندگان سرمنشی سازمان ملل متحد)

برای ختم جنگ در افغانستان

(1361 تا 1372 ه ش)

هموطنان عزیز!

نوشته زیر را که از قلم محترم داکتر حسن شرق تراوش یافته است، در هشت الی ده بخش نشر و به دسترس شما قرار خواهم داد. ایشان نسبت نداشتن در کامپیوتر از من خواستار نشر این موضوع گردیدند که به نظر ایشان در شرایط فعلی افغانستان دانستن آن ضروری پنداشته میشود. اینجانب صالحه واهب اصل فقط بخش نشر آنرا مسؤلیت گرفته ام، مسؤلیت محتوای متن و موضوع مورد بحث به دوش خود شان میباشد.

با حرمت صالحه واهب اصل

من از روس و فرنگ هرگز ننالم

که با من هرچه کرد فرزند من کرد

(مادر وطن)

قسمت ششم:

پرسیدم: آیا می شود به این سادگی مجاهدین و خصوصاً رهبران جاهطلب آنها را نادیده گرفت؟

گفت: چون خود آنها در مصالحه اشتراک نکرده اند، اگر بخواهند به جنگ ادامه دهند از حمایت بین‌المللی در جنگ برخوردار نخواهند شد و خواهی نخواهی از جانب اردوی دولت جمهوری شکست می خورند. در آن صورت دولت امریکا و دیگر کشورهای مخالف دولت جمهوری افغانستان ناگزیر خواهند بود تا دولت جمهوری را تحت قیادت داکتر نجیب‌الله به رسمیت بشناسند.

و آنچه داکتر نجیب‌الله را گرویده بینان سیوان و خصوصاً معاون سیاسی وی فلیپ کاروین امریکایی کرده بود اطمینانی بود که بینان سیوان به داکتر نجیب‌الله داده بود، مبنی بر اینکه معاون وی فلیپ کاروین یک مامور بلند پایه وزارت خارجه امریکا است که تحت پوشش ماموریت در ملل متحد در افغانستان وظیفه‌دار شده است تا اوضاع افغانستان را به دقت مطالعه کرده وزارت خارجه امریکا را در جریان وقایع کشور بگذارد. بینان سیوان به داکتر نجیب‌الله اطمینان می داد که: خوشبختانه فلیپ کاروین به این باور رسیده است که در نبود شما زعامت افغانستان به دست بنیادگرایان مسلمان می افتد. درست همان چیزی که دولت امریکا هرگز آن را نمی خواهد.

متأسفانه اعلامیه های رسمی دولت امریکا در آن روزها، که یکی پی دیگری در تأیید و حمایت از رهبران مجاهدین در پشاور نشر می شد، نشان می داد که: تا موجودیت داکتر نجیب‌الله به حیث رئیس جمهور هرگز مذاکره‌ای جهت مصالحه و ختم جنگ صورت نخواهد گرفت. از سوی دیگر، در آن زمان تقریباً قاطبه مردم افغانستان خواستار سقوط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بودند. از این که چگونه و چرا داکتر نجیب‌الله تحت تأثیر گفته‌های بی بنیاد و نامستند بینان سیوان و معاون او قرار گرفته بود دانسته نشد که آیا واقعاً توقع بیش از حد در ادامه قدرت وی را از خود بی خبر کرده بود یا برعکس او حاضر شده بود تا برای ختم جنگ و مصالحه ملی از قدرت کناره گیری و آن را به شاه سابق واگذار کند. به این ارتباط نزدیک‌ترین شخصی که بین داکتر نجیب‌الله و پادشاه سابق افغانستان مرآده برقرار می کرد ورائتسوف، معاون اول وزیر خارجه و سفیر فوق‌العاده شوروی در افغانستان بود. سلیک هریسن در کتاب پشت پرده

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزي ښي پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په څیر و لولئ

افغانستان، که به اشتراک کوردوویز، معاون سرمنشی سازمان ملل متحد، نوشته است در صفحه 257 می نویسد: "ورانتساف در این باره می گوید: آنچه پیش آمد خواست ما نبود و در واقع موضع خشک امریکا ما را به این سو کشاند. علاوه بر آن نجیب‌الله دارای عقاید مخصوص به خود بود، او به دیدگاه خود چسبیده بود و تمام پیشنهادات برای کنارگیری از حزب یا تحدید کنترل آن را رد میکرد. آنچه او می خواست عکس اینها بود".

نجیب‌الله حاضر بود یک پست احترام‌آمیز به ظاهرشاه بدهد و او به عنوان پدر ملت تلقی شود و نیز نامزدهای او بتوانند به حکومت بپیوندند. اما حزب خلق باید موقعیت‌های کلیدی را حفظ میکرد.

سرانجام در اکتوبر 1987 نجیب‌الله تحت فشار شوروی موافقت کرد که شاه بتواند نخست وزیر و وزیر داخله که پلیس را هم اداره می کرد انتخاب کند. پست وزارت خارجه و مالیه هم قابل مذاکره بود. اما ریاست جمهوری، وزارت دفاع ملی و خاد (پلیس مخفی) همچنان در دست حزب باقی می ماند. و رانتسوف درین رابطه گفت: من چندین بار با شاه سابق صحبت کردم و او این پیشنهاد را نپذیرفت. شاید او با رد اینها کار عاقلانه ای می کرد.

متأسفانه با تلاشهای پیگیر نتوانستیم دلیل آنرا دریابیم که چگونه و چرا کوردوویز با همه معلوماتیکه در مدت هفت سال در باره ختم جنگ و آشتی ملی اندوخته بود بیک باره‌گی از صحنه غایب و با بینان سیوان تعویض شد. با اینکه پوره معتقد شده بودم که بینان سیوان به جای مصالحه ملی، اسلام‌کشی را در افغانستان پیاده می کرد، باز هم چاره‌ای به جز شنیدن موعظه‌های وی نداشتیم. زیرا کمترین بی‌اعتنایی با سیوان معنای مثبت و گریبان شدن با رئیس جمهور را داشت، که آن هم به نفع تنظیمی‌های پشاور تمام می شد تا کنار رفتن بینان سیوان.

از حیل‌گیری‌های بینان سیوان که بگذریم در آن شب و روز در قصر ریاست جمهوری و وزارت خارجه بیشترین گفتگوها پیرامون سفر رئیس جمهور به امریکا و اشتراک وی در چهل و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویارک می چرخید. و آنچه بیشتر از همه، همه هواداران طرح سیوان را مشغول و مشغوف کرده بود و وزارت خارجه آن را احتمالاً با استفاده از معلومات دست اول بینان سیوان اشاعه می داد آن بود که: سفر رئیس جمهور به امریکا و بیانیه پرمحتوا و بکر وی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نشر و پخش آن در مطبوعات جهان تأثیرات شگرفی در روابط امریکا و جهان غرب با افغانستان به بار خواهد آورد.

بنابراین وزارت خارجه ترتیبات سفر رئیس جمهور را نسبت به دیگر سفرهای شان مجلاتر و با شکوهرت تنظیم کرده بود. چنانچه تعداد هیئت همراه و مطبوعاتی‌ها و بادی‌گارد‌ها سر به پنجاه نفر می کشید و سرک بین ارگ و میدان هوایی را با نصب بیرق‌های افغانستان تزیین کرده بودند. ولی شام روزی که فردای آن بایستی رئیس جمهور با ترتیبات خاص عازم امریکا می شد رئیس شرکت آریانا به وزارت خارجه اطلاع داد که کشورهای غربی که طیاره حامل رئیس جمهور داکتر نجیب‌الله از فضای آنها پرواز می کرد اطلاع دادند که به آن طیاره اجازه عبور از فضای کشورهای شان را نمی دهند. هکذا شاه محمد دوست نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد به وزارت امور خارجه اطلاع داد که: برهان‌الدین ربانی، رئیس جمعیت اسلامی افغانستان مقیم پشاور، به واشنگتن آمده است و سفیر پاکستان تلاش دارد با جلب توجه نمایندگان دول مخالف دولت جمهوری افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، زمینه سخنرانی وی را به حیث نماینده مقاومت افغانستان در نبود هیئت افغانی آماده کند. بنابراین انتظار دارم تا هرچه زودتر هیئت افغانستان جهت اشتراک در چهل و نهمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد حضور به هم رسانند.

ایجاد مانع در اشتراک رئیس جمهور در اجلاس مذکور و به خصوص اطلاعیه نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد باعث شد تا صدراعظم به حیث رئیس هیئت در اجلاس مجمع عمومی ملل متحد اشتراک کند. بنابراین به دیدار رئیس جمهور رفتم تا از انتخابم در اجرای چنین امر مهمی قدردانی کرده خواهش کنم تا مرا در جریان آنچه در نظر داشتند در مجمع عمومی ملل متحد ایراد کنند بگذارند. فرمودند: همه چیز آماده است و به دسترس شما گذاشته می شود.

با اینکه در آن روز با صحبت یک ساعته‌ای که باهم داشتیم چند بار موضوع نیویارک را تکرار کردم متأسفانه تا روزی که عازم نیویارک شدم حاضر نشدند تحریری یا شفاهی مرا در جریان خواسته‌های خویش که بایستی در مجمع عمومی ملل متحد ایراد می شد بگذارند.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

داکتر نجیب‌الله از پیش‌آمد سردی که با من داشت حق به جانب بود. زیرا واهمه از دست دادن قدرت از من، به خصوص پس از بازگشت از اتحاد جماهیر شوروی و استقبال گرم رهبران آن کشور، برایش رقیب خیالی و جانشین واهی ساخته بود که گویا در تلاش سرنگونی‌اش بود. در حالی که من نخواستیم ماموریت وی را در مجمع عمومی ملل متحد انجام می‌دادم و آنهم در حالی که خودش چنین تصمیمی گرفته بود. در آن روزها تحکیم یا تعویض زعامت در افغانستان منحصر بود به تصمیم زعمای اتحاد جماهیر شوروی، نه به اراده و تصمیم مردم افغانستان. و آنهم به شرطی که جانشین قدرت به خواست رهبری جمعیت اسلامی در تشکیل ولایت تاجکان (بدخشان، تخار، بغلان، کندز، پنجشیر و سالنگ شمالی و جنوبی) به نام اداره نیمه مستقلی تحت رهبری جمعیت اسلامی تن در می‌داد (تفصیل در کتاب کودتای پنجم). با اینکه جناب شان به خوبی می‌دانستند که من و امثال من شایسته‌گی چنین زعامتی را که موجب رضایت دولت شوروی و همکاری با جمعیت اسلامی شود نداشتیم، ولی باز هم در حالی که نمی‌خواستیم من پیشنهادات خویش را مبنی بر صحت گذاشتن بر طرح کوردوویز، برای مصالحه ملی و انتخاب حکومت مردمی، و رد طرح بیان سیوان در پیشگاه نمایندگان جامعه جهانی عرضه و استدعای همکاری کنم مرا به نیویارک فرستاد. اما دروازه‌های مجمع عمومی ملل متحد را به رویم قفل زد و مانع سخنرانی ام در آن مجمع بزرگ جهانی شد. بدین سان که:

یک روز قبل از پرواز جانب نیویارک به من اطلاع دادند که برای رفع نقص فنی که در طیاره موجود است سفر من برای 24 ساعت به تعویق افتاد. همچنان در همان روز بود که وزارت امور خارجه دعوت‌نامه صدر اعظم چکسلواکیا را برای دیدار یک روزه حین توقف پرواز در آن کشور در اختیارم گذاشت. به آنها گفتم با عرض امتنان و تشکر از دعوت شان خواهش نمایید تا اگر ممکن باشد این دیدار بعد از بازگشت از نیویارک صورت بگیرد. زیرا می‌خواهم بعد از دعوت رسمی برای یکی دو روز جهت معاینات صحتی در آن کشور بمانم.

طبق معمول پرواز طیاره هیئت افغانی به سوی نیویارک دو سه ساعتی در میدان هوایی پراگ بدون تشریفات دولتی توقف می‌کرد و با اینکه انتظار تشریفات رسمی را بعد از سفر نیویارک داشتم، برخلاف توقع، در میدان هوایی پراگ با استقبال گرم و رسمی صدر اعظم چکسلواکیا و همراهان شان رو به رو شدم. آنها با تشریفات خاصی مرا به مهمان‌خانه دولتی بردند. فردای آن روز، پیش از پرواز به سوی نیویارک، باز هم صدر اعظم موصوف ما را تا دروازه طیاره مشایعت کرد. پس از رسیدن به نیویارک، همراه با شاه محمد دوست، نماینده دائمی دولت افغانستان در سازمان ملل متحد، که جهت پذیرایی همراه با همکاران خویش به میدان هوایی آمده بود، روانه هتلی شدیم که قبلاً برای بود و باش هیئت کرایه کرده بود.

شاه محمد دوست چه زمانی که وزیر خارجه افغانستان بود و چه حالا که نمایندگی کشورش را در سازمان ملل متحد به عهده داشت تماس نزدیک و رابطه صمیمانه ای را با کوردوویز، نماینده سرمنشی سازمان ملل متحد (برای جستجوی مصالحه در افغانستان) حفظ کرده بود. وی در حالی که مساعی کوردوویز را برای پیاده کردن مصالحه ملی در افغانستان می‌ستود برایم گفت: دو سه باری که با سیوان ملاقات داشتم ضمن اینکه از شما دل خوشی نداشت باز هم به این باور رسیدم که برای اغفال شما و سایر رهبران افغانستان و ادامه جنگ کار می‌کند تا پیاده کردن مصالحه ملی در افغانستان.

به دوست گفتم متأسفانه بیان سیوان توانسته است تا در قلب رئیس جمهور جای پیدا کند و بر شانه‌های وزیر خارجه سوار شود. بنابراین برای جلوگیری از به گمراهی کشانده شدن ما در امر مصالحه ملی مطالبی در باره پیاده کردن مصالحه ملی و انتخابات عمومی در افغانستان، برای انتخاب حکومت مورد نظر مردم همزمان با خروج قوای شوروی از کشور، تهیه کرده‌ام که می‌خواهم آن را در مجمع عمومی ملل متحد به این امید که تلاش‌های مذبحخانه بیان سیوان را در افغانستان رسوا و بی‌اثر کنم ایراد کنم.

دوست گفت: متأسفانه زمان حضور و سخنرانی شما در مجمع عمومی به ساعت دوی بعد از ظهر امروز تعیین شده بود که آنهم در نبود شما در جلسه منتفی شده است.

به او گفتم: این بود نتیجه بیش از سی و پنج سال دوستی و برادری شما با من (با دوست در سال 1329 ش در اولین اتحادیه محصلین پوهنتون کابل آشنا شده بودم و تا سال 1367 ش دوستی ما ادامه داشت).

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

او چیزی نگفت. اما سه ورق را از دوسیه‌ای که در بکس دستی خویش داشت بیرون کشید و به من داد. در هر سه ورق خواهش مشابه اما با تاریخ‌های متفاوت عنوانی وزارت امور خارجه نوشته شده بود که: طوری که اطلاع دارید زمان حضور و سخنرانی سران کشورهای عضو سازمان ملل متحد در اجلاس مجمع عمومی یک ماه قبل از تشکیل جلسه‌های این مؤسسه به اطلاع حکومت‌های شان رسانیده می‌شود. بنابراین تغییر زمان حضور سران کشورها در مجمع مذکور ممکن نیست. از آنرو وقتی که در آن مجمع برای رئیس‌جمهور تعیین شده بود حالا دفتر سرمنشی آن را برای صدراعظم گذاشته اند. بناءً خواهشمندم تا هیئت دو روز قبل از موعد گفته شده در نیویارک حاضر باشند.

با خواندن یادداشت‌ها متوجه شدم اگر سفرم دو روز و یک شب در دعوت صدراعظم چکوسلواکیا و 24 ساعت به بهانه خرابی طیاره به تعویق نمی افتاد پوره سر وقت به نیویارک می رسیدم. موضوع را به دوست گفتم، او گفت: فکر می کنم مبتکر این دسیسه بینان سیوان و مجری آن وکیل‌جان وزیر خارجه، با کسب توافق رئیس‌جمهور، باشد.

حالآنکه قسم به خداوند بزرگ که سرمویی به خرابی و بدنامی آنها روادار نبودم. اما نظریاتم با دیدگاه‌های شان برای مصلحت ملی و ختم جنگ در افغانستان از زمین تا آسمان تفاوت داشت. زیرا من عقیده داشتم که تطبیق پیشنهاد کوردوویز باعث ختم جنگ در افغانستان و سبب نیک نامی رئیس‌جمهور و رفقاییش می شد. ولی آنها که تطبیق پیشنهاد کوردوویز را سبب سقوط و نظریات بینان سیوان را باعث دوام زعامت ح د خ می دانستند دسیسه کردند تا نتوانم در مجمع عمومی ملل متحد در باره طرح کوردوویز و آنچه خود در باره مصالحه ملی در چانه داشتم سخنرانی کنم. بی خبر از اینکه نظریات کوردوویز بوتل عطری در دستم شده بود که نه تنها چارچوب خانه ملل را بلکه می شد کوچک و بازار را هم با آن معطر کرد و من هم به کمک شاه محمد دوست چنان کردم.

شاه محمد دوست گفت: حالا که چنان کردند چه باید کرد؟

گفتم در این شهر هم نابلدم و هم سر کلاوه را گم کرده‌ام، بناءً بیشتر از همه چیز به کمک شما احتیاج دارم.

گفت: اگر اجازه شما باشد ملاقات شما را با سرمنشی سازمان ملل متحد تنظیم می‌کنم و پس از آن برای شما مصاحبه مطبوعاتی که در آن تقریباً همه روزنامه‌نگاران کشورهای مختلف جهان اشتراک داشته باشند در مقر سازمان ملل متحد رو به راه می‌کنم.

با مسرت زیاد گفتم دوست عزیز، من در اختیار شما هستم. و همین که بعد از خداحافظی می‌خواست از دروازه خارج شود بازگشت و گفت: چیزی به یادم آمد. رئیس شورای روابط خارجی امریکا پس از انتخاب شما به حیث صدراعظم از شما دعوت کرده بود تا به امریکا سفر کنید. من متن دعوت‌نامه را همان روز به وزارت خارجه مخابره و پس از آن دو بار هم تعقیب کردم. ولی قبولی دعوت یا نپذیرفتن آن را به من خبر ندادند. به دوست گفتم نه در باره این شورا وزیر خارجه برایم چیزی گفت و نه هم از دعوت‌شان ق.

گفت: این شورا با اینکه یک مؤسسه غیر دولتی است اما از اعتبار فوق‌العاده‌ای نزد مقامات دولتی به خصوص وزارت خارجه امریکا برخوردار است. زیرا اعضای آن را وزرای خارجه سابق و سناتورهای و بعضی از مامورین بلند رتبه متقاعد امریکا تشکیل می‌دهند و در چنین شرایطی که روابط امریکا با افغانستان فوق‌العاده متشنج است گمان نمی‌کنم بدون موافقه مقامات ذیصلاح امریکا از شما دعوت کرده باشند.

به دوست گفتم: خواهش می‌کنم همین اکنون با رئیس موصوف اگر به نظر شما مساعد باشد تماس گرفته از جانب من بگوئید می‌خواهم هر زمانی که برای شان مساعد باشد ملاقات کنم.

ادامه دارد....

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خبر و لولي